

روایای بیداری

تاریخ شفاهی زنان قهرمان / مدافعان حریم ۱

www.ketab.ir



دفتر انتشارات اسلامی

پرک: نسرين ۱۳۴۵-

روای بیداری: خاطرات شهادتی زینب عارفی، همسر شهید مدافع حرم مصطفی عارفی /
مصاحبه و تدوین: نسرين پرک، ویراستار: لیلا بختی
مشهد: گنگره بزرگداشت سرداران شهید و بیست و سه هزار شهید استان های خراسان،
... کتابخانه، ۱۳۹۷، ۳۲۸ ص. تاریخ شهادتی زنان قهرمان / مدافعان حرم،
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۴-۰۵۵-۳

موضوع: زن - خاطرات موضوع: عارفی، مصطفی، ۱۳۹۵-۱۳۵۹
موضوع: شهید / مسلمان - مرگشنامه موضوع: Muslim martyrs -- Syria -- Biography
موضوع: زن - خاطرات موضوع: Martyrs -- Iran -- Survivors -- Diaries
موضوع: زن - خاطرات موضوع: شهدای استان های خراسان

ردیف کتاب: ۹۶۶۰۱۳۹۷
ردیف: ۲۹۷/۹۹۸
شابک: ۵۸۴۴۴۰

نویسنده: رین پرک

ناشر: ستاره

نویسندگان: ۱۳۹۷ / چاپخانه: دق

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۴-۰۵۵-۳

قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

طراح جلد: حمید فخار

آدرس: بزرگراه کلاتری، حدفاصل میدان جمهوری اسلامی و

میدان جهاد، مجتمع فرهنگی آیه ها

تلفن: ۰۵۱-۳۸۷۱۷۰۰۹ فکس: ۰۵۱-۳۸۷۱۷۲۸۰

کانال نشر ستاره ها در پیام رسان سروش:

http://sapp.ir/n_setareha

آدرس تلگرام و اینستاگرام: @n_setareha

پست الکترونیک: nashr.setareha@gmail.com

مراکز پخش:

کتاب پردازان: ۰۹۱۲۰۷۵۵۹۵۵ و ۰۳۷۱۱۲۲۱۲-۰۵۱

ترنجستان مشهد: ۰۹۳۵۸۹۸۱۳۸۱ و ۰۳۲۲۱۵۲۱۰-۰۵۱

کاروان نور (تهران): ۰۹۱۹۶۰۸۴۴۷۶ و ۰۶۶۵۷۱۰۸۰-۰۲۱

این اثر با حمایت معاونت فرهنگی و اجتماعی

سپاه امام رضا علیه السلام به چاپ رسیده است.

فهرست

مقدمه ناشر / ۱۱

مقدمه راوی / ۱۵

مقدمه نویسنده / ۱۸

فصل ۱ / آشنایی در راه مدرسه / ۲۱

فصل ۲ / برای این لحظه خیلی انتظار کشیدم / ۵۳

فصل ۳ / لویزان / ۷۵

فصل ۴ / تر برای کارهای بهتری آفریده شدی / ۱۰۱

فصل ۵ / آواز جیرجیرک ها / ۱۲۹

فصل ۶ / تقارنی لذت بخش / ۱۶۳

فصل ۷ / ترسی موهوم / ۱۸۱

فصل ۸ / روزهای سخت در راه اند / ۲۰۵

فصل ۹ / جنه صبری / ۲۳۳

فصل ۱۰ / بهار فصل جدایی / ۲۵۹

فصل ۱۱ / باز همان خیابان بود. همان روشنی، همان صدا / ۲۷۱

خواب های صادق / ۲۹۹

فصل ۱۲ / رؤیای بیداری / ۲۹۳

تصاویر / ۳۰۹

هفته نامه نویسنده

مرزاد ماه سال ۱۳۹۶ برای تدوین خاطرات همسر یکی از شهدای مدافع حرم به مجتمع آیه‌ها رفتم. در آنجا و در دفتر سرستارها خانم عارفی آشنا شدم. خانمی بود جوان و بسیار متدین همسرش، مصطفی عارفی، سال پیش در سوریه شهید شد و رسیده بود و دو فرزند داشت به نام‌های طاهر و ابرار علی. اولین سؤال، درباره تشابه نام خانوادگی شان بود که من نسبت دوری با هم دارند.

این دانسته‌ها به اضافه ۳۸ صفحه خاطره دست‌نویس ایشان، همه چیزی بود که با خود به

خانه آوردم. دست نوشته هایی که خوب بود، اما کافی نبود. از فردای آن روز برای مصاحبه و گفت و گو راه لویزان را در پیش گرفتم و خانم عارفی برگشت به سیزده چهارده سال قبل؛ به آن روزی که از طرف مدرسه، آورده بودندشان زیارت امام رضا (ع) و او در سن شانزده سالگی عاشق حال و هوای مذهبی شهر شده و دعا کرده بود ساکن این شهر شود. در سری اصل شهرک ادیمی، از توابع شهرستان زابل، بزرگ شده. در خانه ای ویلایی، سرسبز و پر جمعیت که به عشق هم چهارم با نام هشتم (ع) دوری از خانواده و سرزمینش را نادیده گرفت. بود.

قبلاً در این زمینه کار کرده بودم، ولی این بار باید کاری متفاوت انجام می دادم؛ کاری به نام همسرانه! انبوهی از فایل های صوتی، عکس ها، پیامک ها و متن های تلگرامی را بارها با دقت گریس کردم. نگاه کردم و خواندم. یادم نیست چند بار به منزل امان مراجعه کردم ولی می دانم از آن روز تا به امروز مداومت هم در ارتباط هستیم.

خانم عارفی از واقعیات تلخ و ناخوشایند زندگی،

نه با بغض، که با وقار، سخن می‌گفت طوری که مشکلات مالی، طعنه اطرافیان و غربت و تنهایی اش در حاشیه قرار می‌گرفت و شگرد خاصش در بیان خاطرات، حس هم‌ذات‌پنداری را در من تقویت می‌کرد و توانستم این کتاب را از زبان او و با حس و حال او به رشته تحریر درآورم. البته کار آسانی نبود، ایشان در عین متانت و تواضع چشم‌گیری که داشتند، بسیار رقاطع، سخت‌گیر و نکته‌سنج هم بودند تا آن حد که سه بار متن را بازنویسی کردم و در بعضی موارد تسلیم نظر ایشان شدم.

همچنین به کارنام در انتشارات ستاره‌ها و معاونت فرهنگی سپاه امام رضا (ع) که در این مهم همراه و حامی ام بودند قدرانی می‌کنم.

نسرتین پرک